



Sociological Analysis of University Bullying Centered on the Social Concern Theory

Saeed Kabiri¹✉, karamollah javanmard², Javad Maddahi³

[Received: 2025/10/09 Accepted: 2026/05/13]

doi 10.22034/aqcr.2026.2074136.1129

Abstract

Student life, which inherently should be an experience of coexistence, interaction, mutual support, and individual as well as collective growth, sometimes turns into an arena for displaying differentiation, competition, exclusion, domination, and symbolic violence. The objective of the current study was to investigate the impact of the components of Agnew's (2014) Social Concern Theory on bullying perpetration among dormitory students at the University of Tehran. The statistical population comprised all male and female dormitory students, and the final sample size was determined to be 370370370 individuals. Data were collected using the Bullying Perpetration Questionnaire (Liu et al., 2020) and the Multidimensional Scale of Social Concern (Shadmanfaat et al., 2021; Kabiri et al., 2022; 2024). Data analysis was conducted using Structural Equation Modeling (SEM) in Amos version 24 and statistical tests in SPSS version 27. Results indicated that all components of social concern—including moral intuitions ($\beta = -.292$), care for others ($\beta = -.215$), desire for close ties with conventional others ($\beta = -.246$), and conformity to social norms ($\beta = -.235$)—had significant negative effects on students' bullying behavior. Moreover, mediation analyses highlighted the importance of indirect mechanisms in reducing bullying, with care for others mediating the relationship between moral intuitions and bullying ($\beta = -.107$) and conformity to social norms mediating the relationship between desire for close ties and bullying ($\beta = -.069$). These findings align with Agnew's theory and underscore the importance of enhancing social concern as a preventive factor in university settings. Educators and administrators can promote prosocial behavior, adherence to social norms, and ethical development among students through targeted educational and cultural programs to prevent bullying.

Keyword: Bullying, Social Concern, Students, Structural Equation Mode.

Citation: Kabiri, S., javanmard, K.& Maddahi, J. (2026). Sociological Analysis of University Bullying Centered on the Social Concern Theory. *Applied criminology research*, 4(11), 47-74.

https://www.qacr.ir/article_735687.html?lang=en

1. Assistant Professor, Department of Social Studies, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: s.kabiri@iscs.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. Email: k.javanmard@abru.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Social Science Education, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: j.maddahi@cfu.ac.ir



تحلیل جامعه‌شناختی قلدری دانشگاهی با محوریت نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی

سعید کبیری^۱، کرم‌الله جوانمرد^۲، جواد مداحی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۸]

doi 10.22034/qacr.2026.2074136.1129

چکیده

زیست دانشجویی که در ذات خود باید تجربه‌ای از همزیستی، تعامل، حمایت متقابل و رشد فردی و جمعی باشد، گاه به صحنه‌ای برای نمایش تمایز، رقابت، طرد، سلطه و خشونت نمادین تبدیل می‌شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر مؤلفه‌های نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۴) بر مبادرت به قلدری در میان دانشجویان خوابگاهی دانشگاه تهران بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر خوابگاهی بود و حجم نمونه نهایی ۳۷۰ نفر تعیین شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های مبادرت به قلدری (لیو و همکاران، ۲۰۲۰) و مقیاس چندبعدی دغدغه‌مندی اجتماعی (شادمنفعت و همکاران، ۲۰۲۱؛ کبیری و همکاران، ۲۰۲۲؛ ۲۰۲۴) جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با مدل‌سازی معادلات ساختاری در Amos نسخه ۲۴ و آزمون‌های آماری در SPSS نسخه ۲۷ انجام شد. یافته‌ها نشان داد که تمامی مؤلفه‌های دغدغه‌مندی اجتماعی شامل تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی (ضریب بتا: -۰/۲۹۲)، توجه به رفاه دیگران (ضریب بتا: -۰/۲۱۵)، تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف (ضریب بتا: -۰/۲۴۶) و تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی (ضریب بتا: -۰/۲۳۵)، تأثیر معنادار و منفی بر مبادرت به قلدری دانشجویان دارند. علاوه بر این، مسیرهای میانجی اهمیت فرآیندهای غیرمستقیم را در کاهش قلدری تأیید کرد؛ به‌طوری که توجه به رفاه دیگران میانجی رابطه بین شهودهای اخلاقی و قلدری (ضریب بتا: -۰/۱۰۷) و تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی میانجی رابطه بین تمایل به روابط نزدیک با دیگران و قلدری (ضریب بتا: -۰/۰۶۹) بود. این یافته‌ها همسو با نظریه اگنیو بوده و بر اهمیت ارتقای دغدغه‌مندی اجتماعی به‌عنوان یک عامل پیشگیرانه در محیط‌های دانشگاهی تأکید دارد. پژوهشگران و مدیران آموزشی می‌توانند با طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، رفتارهای هم‌دلانه، رعایت هنجارهای اجتماعی و تقویت اخلاق دانشجویان را ترویج دهند تا از بروز قلدری پیشگیری شود.

کلیدواژه‌ها: قلدری، دغدغه‌مندی اجتماعی، دانشجویان، مدل‌سازی معادلات ساختاری.

استناددهی: کبیری، سعید، جوانمرد، کرم‌الله، و مداحی، جواد. (۱۴۰۵). تحلیل جامعه‌شناختی قلدری دانشگاهی با محوریت نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۴(۱۱)، ۷۴-۷۷.

https://www.qacr.ir/article_735687.html

۱. استادیار گروه مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: s.kabiri@iscs.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

رایانامه: k.javanmard@abru.ac.ir

۳. استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: j.maddahi@cfu.ac.ir

مقدمه

جهان مدرن و به‌ویژه جهان پسامدرن، روایتگر دگرگونی‌های گسترده در زندگی انسان و خلیقات او در عرصه‌های گوناگون است. یکی از نمودهای این تحولات، بروز و گسترش پدیده‌ای به نام قلدری دانشجویی است. زیست دانشجویی که در ذات خود باید تجربه‌ای از همزیستی، تعامل، حمایت متقابل و رشد فردی و جمعی باشد، گاه به صحنه‌ای برای نمایش تمایز، رقابت، طرد، سلطه و خشونت نمادین تبدیل می‌شود. در این میان، خوابگاه‌ها و محیط‌های دانشگاهی به‌عنوان فضاهای مهم زیست روزمره دانشجویان، می‌توانند بستری برای شکل‌گیری و بازتولید چنین کنش‌هایی باشند. قلدری^۱ دانشجویی، نه صرفاً رفتاری ناهنجار یا انحرافی، بلکه بازنمایی میل پنهان به قدرت‌نمایی، اضطراب‌های اجتماعی و چالش‌های هویتی نسل جوان است. این پدیده خود را در قالب نگاه‌های تحقیرآمیز، طردهای خاموش، تمسخر، تبعیض‌های غیررسمی و خشونت‌های کلامی و روانی آشکار می‌سازد. در نتیجه، بررسی قلدری دانشجویی در فضای دانشگاه و خوابگاه‌ها، نه تنها مطالعه‌ای درباره یک رفتار فردی، بلکه کاوشی در فرهنگ روابط اجتماعی، ساخت قدرت، و تجربه زیسته دانشجویان در جهان معاصر است.

قلدری نوعی رفتار پرخاشگرانه، عمدی و تکرارشونده است که با هدف آسیب‌رسانی جسمی، روانی یا اجتماعی به فردی دیگر صورت می‌گیرد. ویژگی متمایز قلدری، وجود نوعی نابرابری قدرت واقعی یا ادراک‌شده میان فرد قلدر و قربانی است؛ به‌گونه‌ای که فرد قربانی از توان محدود برای دفاع از خود برخوردار است (اولویوس^۲، ۱۹۹۹؛ اسمیت^۳، ۲۰۱۴؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۱۹). در سال‌های اخیر، این پدیده از محیط‌های سنتی مدرسه فراتر رفته و به فضای دانشگاهی نیز گسترش یافته است. قلدری در محیط دانشگاه و خوابگاه‌های دانشجویی به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم سلامت روانی و اجتماعی، می‌تواند پیامدهای قابل توجهی از جمله افزایش اضطراب، افسردگی، احساس تنهایی، کاهش رضایت از زندگی و افت عملکرد تحصیلی به همراه داشته باشد (هافرنان و بوستی^۴، ۲۰۲۳؛ کیشلی و نیومن^۵، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شیوع قلدری در بین دانشجویان در حال افزایش است و این پدیده می‌تواند بر روابط اجتماعی، احساس امنیت، و کیفیت تجربه زیست دانشگاهی تأثیر منفی بگذارد. از این رو، قلدری دانشگاهی نه تنها مسئله‌ای فردی، بلکه تهدیدی برای سلامت

1. Bullying
2. Olweus
3. Smith
4. Heffernan & Bosetti
5. Keashly & Neuman





اجتماعی و فرهنگی محیط‌های دانشگاهی محسوب می‌شود (روسپندا^۱ و همکاران، ۲۰۱۳؛ گومز گالان^۲ و همکاران، ۲۰۲۱).

مطالعات متعدد نشان می‌دهند که پدیده قلدری، چه در شکل سنتی آن و چه در اشکال نوین مجازی و آنلاین، در میان دانشجویان دانشگاه‌ها در سطح جهانی روندی افزایشی و نگران‌کننده دارد (بوسو^۳ و همکاران، ۲۰۲۵؛ صدیق^۴ و همکاران، ۲۰۲۵)، این روند محدود به جوامع غربی نبوده و در میان دانشجویان کشورهای خاورمیانه نیز به‌طور قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود (الدارمکی^۵ و همکاران، ۲۰۲۲؛ علیوردی‌نیا و قربان‌زاده، ۱۴۰۲؛ علیوردی‌نیا و ریسمانچی، ۱۳۹۸). به‌عنوان نمونه، یافته‌های پژوهش مهسنه^۶ و همکاران (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که میزان شیوع قلدری آنلاین در میان دانشجویان دانشگاهی شش کشور خاورمیانه بین ۶۵ تا ۸۶ درصد گزارش شده است. در ایران نیز پژوهش‌های انجام‌شده بیانگر گسترش قابل توجه این پدیده هستند، به‌طوری که میزان بروز قلدری در میان دانشجویان ایرانی بین ۲۰ تا ۵۳ درصد گزارش شده است (علیوردی‌نیا و قربان‌زاده، ۱۴۰۲؛ کبیری و همکاران، ۲۰۲۰؛ شادمنفعت و همکاران، ۲۰۲۱). بر اساس یافته‌های پژوهش علیوردی‌نیا و قربان‌زاده (۱۴۰۲)، حدود ۲۷ درصد از دانشجویان دختر و ۳/۳ درصد از دانشجویان پسر مورد مطالعه دچار بزه‌دیدگی ناشی از قلدری آنلاین بوده‌اند. همچنین در پژوهش علیوردی‌نیا و ریسمانچی (۱۳۹۸) مشخص شد که ۳۲/۸ درصد از دانشجویان تجربه بزه‌دیدگی ناشی از قلدری سنتی را در سطح کم، ۱۷ درصد در سطح متوسط، ۳/۲ درصد در سطح زیاد و ۴ درصد در سطح خیلی زیاد گزارش کرده‌اند.

در جهانی که پیوندهای انسانی و همدلی اجتماعی در معرض تضعیف قرار گرفته است، میزان دغدغه‌مندی افراد نسبت به رفاه و احساسات دیگران به‌عنوان یکی از شاخص‌های بنیادین سلامت اجتماعی و اخلاقی جوامع شناخته می‌شود. نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی^۷ اگنیو^۸ (۲۰۱۴) چارچوب مناسبی برای درک رفتارهایی چون قلدری فراهم می‌آورد. بر اساس این نظریه، افراد از نظر میزان دغدغه نسبت به دیگران و تمایل به رعایت اصول اخلاقی با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت‌ها می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری یا پیشگیری از رفتارهای آسیب‌زا داشته باشد. به بیان دیگر، برخی افراد نسبت به دیگران سطح بالاتری از دغدغه‌مندی اجتماعی دارند؛ یعنی نسبت به نیازها، احساسات و رفاه دیگران حساس‌تر بوده و از آسیب رساندن به آن‌ها پرهیز می‌کنند. این ویژگی به‌عنوان عاملی بازدارنده در برابر بروز

1. Rospenda
2. Gómez-Galán
3. Bussu
4. Siddiqui
5. Al-Darmaki
6. Mahasneh
7. Social Concern Theory
8. Agnew



رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی از جمله قلدری عمل می‌کند. در مقابل، افرادی که از سطح پایین دغدغه‌مندی اجتماعی برخوردارند، در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که احتمال ارتکاب قلدری در آن‌ها بیشتر است. به‌طور خاص، کمبود همدلی (بی‌توجهی به پیامدهای رفتار خود بر دیگران)، ضعف اخلاقی (تمایل اندک به پیروی از شهودهای اخلاقی و هنجارهای اجتماعی)، نبود تمایل به ایجاد پیوندهای نزدیک با دیگران و گرایش پایین به انطباق با رفتارهای پذیرفته‌شده اجتماعی، از جمله عواملی هستند که احتمال بروز رفتارهای قلدری را افزایش می‌دهند (شادمفعت و همکاران، ۲۰۲۱). از این منظر، قلدری نه صرفاً یک کنش پرخاشگرانه، بلکه نشانه‌ای از ضعف در پیوندهای اخلاقی و اجتماعی فرد با دیگران تلقی می‌شود.

پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز به‌طور نسبی از اصول نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۴) حمایت کرده‌اند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی همچون همدلی و احساس همدردی (اعلمی و همکاران، ۲۰۱۵)، برون‌گرایی (شاویسی‌زاد و خان‌محمدی، ۱۳۹۸؛ کماسی و همکاران، ۲۰۱۶)، بی‌اشتیاقی اخلاقی (غلامی و همکاران، ۲۰۲۵؛ بابایی و همکاران، ۱۴۰۰؛ عبدالمحمدی و همکاران، ۱۴۰۲)، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی (کبیری و همکاران، ۲۰۲۴) و حمایت عاطفی (کبیری و همکاران، ۲۰۱۸؛ کبیری و دانه‌ر، ۲۰۱۹) با بروز یا کاهش رفتارهای انحرافی و ضداجتماعی از جمله قلدری ارتباط معنادار دارند.

بر اساس دیدگاه اگنیو (۲۰۱۴)، افراد با سطح پایین دغدغه‌مندی اجتماعی، به دلیل فقدان حساسیت نسبت به پیامدهای رفتار خود بر دیگران، ضعف در کنترل اخلاقی و محدودیت در شکل‌دهی پیوندهای اجتماعی مثبت، بیشتر در معرض انجام رفتارهای پرخاشگرانه و قلدری قرار دارند. به بیان دیگر، دغدغه‌مندی اجتماعی به‌عنوان نوعی بازدارنده اخلاقی و عاطفی عمل می‌کند که مانع از تبدیل تمایلات پرخاشگرانه به کنش‌های واقعی می‌شود. با وجود شواهد نظری و تجربی موجود، هنوز در ایران پژوهش‌های جامع و نظام‌مند درباره نقش دغدغه‌مندی اجتماعی در قلدری دانشجویان، به‌ویژه در محیط‌های خوابگاهی و دانشگاهی، محدود است. این خلأ پژوهشی ضرورت مطالعه عمیق‌تر این موضوع را برجسته می‌سازد.

از سویی دیگر، در نظام کیفری ایران، پدیده قلدری به نظر می‌رسد با یک خلأ توصیفی روبه‌روست؛ به طوری که بر اساس واکاوی پژوهشی - حقوقی، از جمله مطالعه حسینی و همکاران (۱۴۰۲)، قانون‌گذار در مواردی نظیر ۶۱۷ و ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی، به جرم‌انگاری ظواهر مادی و نتایج فیزیکی قدرت‌نمایی (به‌عنوان شکلی از قلدری) بسنده کرده است. این رویکرد واکنشی، از درک قلدری به‌مثابه یک حالت خطرناک و مستمر بازمانده



است. از منظر حقوق مدرن، جرم‌انگاری قلدری نه یک انتخاب، بلکه الزام ناشی از نظریه آسیب برای صیانت از تمامیت معنوی اشخاص نیز محسوب می‌گردد (کبیری و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین در فقه اسلامی، بر مبنای قاعده «حرمت ایذاء مومن» و «اصل لاضرر» هر گونه رفتاری که منجر به استخفاف و درهم شکستن کرامت انسانی گردد، واجد ماهیت مجرمانه بوده و طبق مبانی تعزیرات حکومتی، قانون‌گذار مکلف به وضع ضمانت اجرای کیفری برای آن است تا از تخریب مرتکب و سلب امنیت روانی جامعه علمی جلوگیری شود (میرعشقی و همکاران، ۱۴۰۳). همچنین حسینی و همکاران عناصر جرم قلدری را به انواع عنصر قانونی، عنصر فیزیکی، عنصر معنوی تقسیم می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۲۴).

بدین ترتیب، تبیین جرم‌شناختی این پدیده در پژوهش حاضر، با تکیه بر نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی، لایه عمیق‌تری از این ضرورت را آشکار می‌سازد. بر اساس این نظریه، رفتارهای ایذایی و قلدری ناشی از اضمحلال ظرفیت‌های همدلی و فرسایش تعهدات اخلاقی نسبت به دیگری است. در واقع خلأ جرم‌انگاری ضریح در حقوق ایران، منجر به تقویت بی‌تفاوتی اخلاقی شده و مانع شکل‌گیری دغدغه‌مندی در ساختار دانشگاه می‌گردد. از این منظر، جرم‌انگاری قلدری صرفاً یک ابزار نظارت نیست، بلکه مکانیزم فرهنگ‌ساز است که با بازتعریف مرزهای ناهنجاری، فرد را به بازگشت به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رعایت حقوق هم‌تایان ملزم می‌کند. لذا پیوند میان ضرورت حقوقی (جرم‌انگاری) و تبیین جامعه‌شناختی (دغدغه‌مندی اجتماعی) در این نوشتار، نشان می‌دهد که تدوین قوانین حمایتی می‌تواند به‌عنوان محرکی برای پیوندهای اخلاقی و کاهش رفتارهای ضداجتماعی در زیست‌بوم دانشگاهی عمل کند.

از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم دغدغه‌مندی اجتماعی بر مبادرت به قلدری دانشجویان، در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که: آیا نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی می‌تواند میزان تمایل یا مبادرت به قلدری در میان دانشجویان را پیش‌بینی کند؟

مبانی نظری

۱. چارچوب نظری

در بنیادی‌ترین سطح، نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۴) بر این فرض استوار است که انسان‌ها موجوداتی اجتماعی‌اند که نسبت به دیگران احساس مسئولیت و دلسوزی دارند و این حس دغدغه‌مندی اجتماعی موجب کاهش تمایل به رفتارهای مجرمانه یا آسیب‌زا می‌شود. اگنیو (۲۰۱۱) در تعریف خود از ماهیت انسان بیان می‌کند که این مفهوم شامل ویژگی‌های

فردی - از جمله شیوه‌های تفکر، احساس و کنش - است که عمومی یا تقریباً جهان‌شمول محسوب می‌شوند (ص ۷۳). به بیان دیگر، او بر این باور است که دغدغه‌مندی اجتماعی جزء ذاتی سرشت انسان است و به‌طور طبیعی در بیشتر افراد وجود دارد.

با وجود این، نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی دیدگاه‌های مربوط به نفع‌طلبی شخصی یا عقلانیت فردی را به کلی رد نمی‌کند. در واقع، نظریه‌های برجسته در حوزه جرم‌شناسی، از جمله نظریه بازدارندگی^۱ (بکاریا^۲، ۲۰۱۶)، نظریه فرصت^۳ (فلسون و ایگرت^۴، ۲۰۱۷)، نظریه انتخاب عقلانی^۵ (کلارک و کرنیش^۶، ۲۰۰۱) و نظریه خودکنترلی^۷ (گاتفرسن و هیرشی^۸، ۱۹۹۰) همگی بر این فرض بنا شده‌اند که انسان‌ها کنشگرانی خودمحور و عقلانی‌اند که به دنبال بیشینه‌سازی منافع شخصی و کمینه‌سازی هزینه‌ها هستند.

با این حال، بسیاری از جرم‌شناسان بر این نکته تأکید می‌کنند که عقلانیت انسان همواره محدود است، زیرا افراد اغلب اطلاعات کافی برای ارزیابی هزینه‌ها و منافع تصمیم‌های خود در اختیار نداشته و یا به زمان و منابع لازم برای تحلیل درست پیامدها دسترسی ندارند (پیکوئرو^۹ و همکاران، ۲۰۱۱). از این‌رو، تصمیم‌گیری‌ها در عمل، همواره کاملاً عقلانی نیستند و تحت تأثیر شرایط، عواطف و موقعیت‌های اجتماعی با مفهوم عقلانیت محدود^{۱۰} شکل می‌گیرند. افزون بر این، شواهد پژوهشی نشان داده‌اند که افراد در شرایط هیجانی، خشم یا تحریک روانی ممکن است رفتارهایی ناگهانی و غیرعقلانی از خود بروز دهند (کارمیشل^{۱۱} و پیکوئرو، ۲۰۰۴). در چنین لحظاتی، واکنش‌های احساسی می‌توانند بر فرایند تصمیم‌گیری غلبه کنند و فرد را به انجام کنش‌هایی سوق دهند که با محاسبه عقلانی یا منافع بلندمدت او همخوانی ندارد.

اگرچه پژوهشگران به‌طور کلی محدودیت‌های فرض عقلانیت کامل انسان را پذیرفته‌اند، اما تلاش برای تبیین ابعاد گوناگون ماهیت انسان و ادغام آن‌ها در نظریه‌های جرم‌شناسی همواره با استقبال مواجه نشده است. به‌عنوان نمونه، هیرشی (۱۹۸۹) استدلال می‌کند که اتخاذ پیش‌فرض‌های متفاوت درباره ماهیت انسان موجب ناسازگاری و تعارض میان نظریه‌های رقیب می‌شود و در نتیجه، ادغام نظریه‌های جرم‌شناختی ممکن است بیشتر به زیان پیشرفت

1. Deterrence Theory
2. Beccaria
3. Opportunity Theory
4. Felson & Eckert
5. Rational Choice Theory
6. Clarke & Cornish
7. Self-control Theory
8. Gottfredson & Hirschi
9. Piquero
10. Bounded Rationality
11. Carmichael





علمی بیانجامد تا به سود آن. او دو دلیل عمده برای این دیدگاه ارائه می‌دهد: نخست، اینکه رقابت میان نظریه‌ها بهتر از ادغام نظریه‌ها می‌تواند به پیشرفت و پالایش مفهومی هر نظریه کمک کند؛ دوم، هیرشی (۱۹۸۹) معتقد است که برخی از پژوهشگران ممکن است برای افزایش توان تبیینی مدل خود، به جای تلاش صادقانه برای بهبود چارچوب نظری‌شان، به صورت سطحی برخی متغیرها را از نظریه‌های دیگر وام بگیرند؛ این رویکرد نه تنها باعث انسجام نظری نمی‌شود، بلکه گاهی موجب ابهام مفهومی در پژوهش‌ها خواهد شد.

با وجود این و در کنار مزایای احتمالی حفظ مرزهای نظری میان دیدگاه‌های مختلف، اگنیو (۲۰۱۱) در بازنگری گسترده‌ای از ادبیات میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که امروزه دشوار است تا شواهد قانع‌کننده درباره چندبعدی بودن ماهیت انسان را نادیده بگیریم. به‌ویژه، مرور او از یافته‌های تجربی و نظری در رشته‌های گوناگون - از جمله آزمایش‌های رفتاری، پیمایش‌ها، مطالعات بر نوزادان و کودکان خردسال، بررسی رفتار نخست‌های غیرانسانی، روان‌شناسی تکاملی و پژوهش‌های زیستی - همگی حاکی از آن است که اغلب این مطالعات به نتایج مشابهی درباره ماهیت انسان دست یافته‌اند: انسان‌ها از یک سو خودنفع‌طلب و قابل تغییر در واکنش به شرایط محیطی بوده؛ و از سوی دیگر، به صورت طبیعی دارای نوعی دغدغه‌مندی اجتماعی، حس همدلی و تمایل به همکاری با دیگران‌اند. به بیان دیگر، شواهد موجود در علوم رفتاری و زیستی نشان می‌دهد که ماهیت انسان را نمی‌توان صرفاً بر پایه منافع شخصی یا عقلانیت ابزاری توضیح داد؛ بلکه انسان‌ها ترکیبی از خودمحوری و اجتماعی بودن را در ساحت خود دارند. این دیدگاه، مبنای اصلی نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۱، ۲۰۱۴) را شکل می‌دهد و تبیین می‌کند که چرا رفتارهای مجرمانه یا آسیب‌زا معمولاً در شرایطی بروز می‌کنند که وجه اجتماعی و همدلانه انسان تضعیف یا سرکوب شده باشد.

نتیجه‌گیری اگنیو (۲۰۱۱) در واقع منحصربه‌فرد نیست، زیرا بسیاری از جرم‌شناسان، به‌ویژه کسانی که رویکرد زیستی - اجتماعی را پذیرفته‌اند، بر این باورند که ماهیت انسان از مجموعه‌ای از ویژگی‌های گوناگون تشکیل شده است که برخی از آن‌ها دارای بنیان‌های زیستی هستند (فرگوسن^۱، ۲۰۱۰). برای مثال، والش^۲ (۲۰۲۴) تأکید می‌کند که انتخاب طبیعی و انتخاب جنسی از مهم‌ترین سازوکارهای فهم ویژگی‌های طبیعی انسان هستند. او بیان می‌کند که تمام موجودات زنده در فرآیند تکامل به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که بیش از هر چیز به بقا و تولیدمثل خود اهمیت می‌دهند. از دیدگاه او، اگرچه ماهیت خودنفع‌طلب انسان در برخی شرایط محیطی می‌تواند مزیت‌زا باشد، اما این امر با گرایش انسان به نوع‌دوستی و همدلی با دیگران در تضاد نیست. به باور والش (۲۰۲۴)، رفتارهای نوع‌دوستانه نیز می‌توانند در

1. Ferguson

2. Walsh



چارچوب اصول همکاری و اعتماد متقابل، برای خود فرد سودمند باشند، چرا که به انسجام اجتماعی و پیوندهای انسانی کمک می‌کنند. پوسیک، روک و دیسی^۱ (۲۰۱۵) با بهره‌گیری از شواهد علوم اعصاب نشان داده‌اند که نورون‌های آینه‌ای در مغز انسان نقش مهمی در درک احساسات دیگران دارند. حتی در نوزادان نیز این فرآیند مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که آنان به گریه سایر نوزادان واکنش نشان می‌دهند. پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده‌اند که چندین بخش از مغز، از جمله لوب پیشانی، با توانایی انسان برای کنترل تکانه‌ها، تأمل درباره پیامدهای رفتار و احساس همدلی با دیگران ارتباط دارد (رین^۲، ۲۰۱۳).

اگنیو (۲۰۱۱) با تکیه بر مجموعه‌ای گسترده از شواهد درباره ماهیت انسان، بر ضرورت رویکردی تلفیقی و چندبعدی نسبت به سرشت انسانی تأکید می‌کند. او در واکنش به تمرکز بیش‌ازحد جرم‌شناسی سنتی بر خودخواهی به‌عنوان ویژگی طبیعی انسان، در سخنرانی خود به‌عنوان رئیس انجمن جرم‌شناسی آمریکا (اگنیو، ۲۰۱۴) از پژوهشگران خواست تا از فرض صرف خودنفع‌طلبی فراتر روند و بنیان‌های نظری جرم‌شناسی را گسترش دهند. اگنیو در نظریه خود، مفهوم دغدغه‌مندی اجتماعی را به‌طور مبسوط تبیین می‌کند و به بررسی پیوند میان این دغدغه‌مندی و سایر علل ارتکاب جرم می‌پردازد. به بیان ساده، نظریه او بیان می‌کند که دغدغه‌مندی اجتماعی می‌تواند در بسیاری از موقعیت‌ها به‌عنوان عاملی بازدارنده در برابر خودنفع‌طلبی عمل کند. اگنیو (۲۰۱۱؛ ۲۰۱۴) بر این باور است که گرایش به دغدغه‌مندی اجتماعی از ویژگی‌های جهانی و ذاتی انسان سرچشمه می‌گیرد، اما شدت این گرایش در میان افراد و گروه‌های مختلف متفاوت است. همان‌طور که میزان خودنفع‌طلبی میان افراد متفاوت است، سطح دغدغه‌مندی اجتماعی نیز در افراد گوناگون تفاوت دارد. به‌زعم اگنیو (۲۰۱۴)، کسانی که از سطح پایین‌تری از دغدغه‌مندی اجتماعی برخوردارند، بیشتر در معرض بروز رفتارهای انحرافی و قانون‌گریزانه قرار می‌گیرند.

اگنیو (۲۰۱۴) برای تبیین بهتر نظریه خود، چهار مؤلفه اصلی دغدغه‌مندی اجتماعی را معرفی می‌کند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: اهمیت دادن به رفاه دیگران^۳، تمایل به برقراری روابط نزدیک با افراد دیگر^۴، گرایش به پیروی از اصول و شهودهای اخلاقی^۵، و تمایل به هماهنگی و انطباق با دیدگاه‌ها و رفتارهای اجتماعی^۶. به بیان دیگر، افرادی که از دغدغه‌مندی اجتماعی بالاتری برخوردارند، در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای خود توجه بیشتری به رفاه و احساسات دیگران دارند، روابط صمیمانه‌تری با اطرافیان شکل می‌دهند و به هنجارها و ارزش‌های

1. Rafter, Posick, & Rocque

2. Raine

3. Care about the welfare of others

4. Desire for close ties to others

5. Inclination to follow certain moral intuitions

6. Tendency to conform to the views and behaviors of others



اخلاقی جامعه پایبندترند. چنین گرایش‌هایی همانند سازوکارهای طبیعی بازدارنده عمل کرده و احتمال ارتکاب رفتارهای مجرمانه را کاهش می‌دهند (چوهی، اگنیو و کالن^۱، ۲۰۱۴).

علاوه بر این، اگنیو (۲۰۱۴) پیوندهای دیگری میان دغدغه‌مندی اجتماعی و رفتارهای انحرافی یا مجرمانه مطرح می‌کند. او بر این باور است که گرایش‌های دغدغه‌مندانه می‌توانند از طریق سایر علل جرم به‌صورت غیرمستقیم بر رفتار مجرمانه تأثیر بگذارند و همچنین عوامل زیستی و روان‌شناختی - اجتماعی ممکن است از راه این گرایش‌ها بر احتمال ارتکاب جرم اثرگذار باشند. افزون بر آن، دغدغه‌مندی اجتماعی می‌تواند با دیگر متغیرها در تعامل باشد و اثر آن‌ها را در شکل‌گیری یا پیشگیری از جرم تعدیل کند (چوهی، اگنیو و کالن، ۲۰۱۴).

افزون بر این، در این پژوهش ساختار درونی و پیوندهای میان مؤلفه‌های اصلی نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس دیدگاه اگنیو (۲۰۱۴)، میان گرایش‌های چهارگانه دغدغه‌مندی اجتماعی - یعنی شهودهای اخلاقی، تمایل به ایجاد روابط نزدیک، همنوایی با دیگران و اهمیت دادن به رفاه دیگران - رابطه‌ای پویا و متقابل وجود دارد که هر یک می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر دیگری اثرگذار باشند (ص ۲۰). در این راستا، اگنیو (۲۰۱۴) استدلال می‌کند که سطوح بالاتر دو مؤلفه شهودهای اخلاقی و تمایل به برقراری روابط نزدیک با دیگران می‌توانند آثار تقویتی بر سایر ابعاد دغدغه‌مندی اجتماعی، یعنی همنوایی با دیگران و توجه به رفاه سایرین داشته باشند و از این طریق، به‌صورت غیرمستقیم احتمال بروز رفتارهای انحرافی را کاهش دهند. یافته‌های پژوهش‌های کبیری و همکاران (۲۰۲۴) و شادمنفعت و همکاران (۲۰۲۱) نیز به‌روشنی این روابط را تأیید کردند. نتایج این تحقیقات نشان داد افرادی که از شهودهای اخلاقی قوی‌تری برخوردارند، سطح بالاتری از همدلی و دغدغه نسبت به رفاه دیگران را تجربه می‌کنند. همچنین، تمایل به ایجاد پیوندهای نزدیک و معنادار با دیگران، زمینه‌ساز پذیرش و پایبندی بیشتر به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی متعارف است. در نهایت، این تعامل درونی میان ابعاد مختلف دغدغه‌مندی اجتماعی، سازوکاری بازدارنده در برابر رفتارهای انحرافی و غیراخلاقی فراهم می‌آورد.

در مجموع، نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۴)، دیدگاهی تلفیقی از ماهیت انسان ارائه می‌دهد و روابط پیچیده‌ای را میان دغدغه‌مندی اجتماعی و سایر علل جرم، از جمله اثرات غیرمستقیم و شرطی آن بر رفتار مجرمانه، ترسیم می‌کند. با این حال، به دلیل جدید بودن این نظریه و کمبود داده‌های تجربی لازم برای آزمون آن، تاکنون تنها تعداد محدودی از پژوهش‌ها به بررسی تجربی نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی پرداخته‌اند. بخش بعدی به‌طور خلاصه به‌مرور پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه اختصاص دارد.



از طرف دیگر خشونت و قلدری، تمایل به مصرف سیگار، مواد مخدر، داروهای روان‌گردان و مشروبات الکلی از شایع‌ترین انحرافات نوجوانان و جوانان می‌باشد. اعمال خشونت و قلدری از جمله آسیب‌های سلامت روان است که ممکن است از طریق بازی‌های رایانه‌ای ایجاد یا گسترش یابد. تحقیق در مورد کارکرد مغز، رابطه میان خشونت رسانه‌ای و پرخاشگری را روشن ساخته است. همچنین رسانه‌های اجتماعی بستری را فراهم می‌کنند که از طریق آن کاربران ممکن است در معرض رفتارهای پرخطر و انحرافات قرار گیرند اگرچه انحرافات انواع مختلفی دارد، ولی شایع‌ترین نوع انحرافات در آنها خشونت و قلدری، تمایل به مصرف سیگار، مواد مخدر، داروهای روان‌گردان و مشروبات الکلی می‌باشد. شکل‌گیری انحرافات نتیجه یک عامل مشخص نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل به صورت زنجیروار در شکل‌گیری آن تأثیرگذار هستند. این عوامل ریشه در عوامل فردی- روان‌شناختی (شامل عوامل ژنتیکی و عوامل روان‌شناختی و شخصیتی)، عوامل خرد (شامل ساختار و عملکرد خانواده و نفوذ گروه همسالان) و عوامل کلان ساختاری (شامل عوامل اجتماعی- اقتصادی، عوامل فرهنگی و عوامل مجازی و رسانه‌ای) می‌باشد (حسن‌پور و همکاران، ۱۴۰۴، ص ۱۸۲-۱۹۳).

۲. پیشینه

نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۴) در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است و مطالعات تجربی در زمینه اعتبار آن به تدریج در حال گسترش است، هرچند هنوز محدود و پراکنده هستند. نخستین آزمون تجربی این نظریه توسط چوهی، هوکشتلر و کالن^۱ (۲۰۱۷) با استفاده از داده‌های طولی نوجوانان بزهکار انجام شد. آن‌ها نشان دادند که دو مؤلفه از چهار مؤلفه اصلی دغدغه‌مندی اجتماعی، یعنی توجه به رفاه دیگران و شهودهای اخلاقی، به‌طور معناداری سطح بزهکاری را کاهش می‌دهد و نقش میانجی در ارتباط بین علل خرداجتماعی و بزهکاری دارد. کریگ^۲ (۲۰۱۷) اثرات غیرمستقیم و شرطی دغدغه‌مندی اجتماعی را با تمرکز بر خودکنترلی پایین در میان دانشجویان بررسی کرد و نشان داد که همدلی بالاتر با دیگران باعث کاهش قصد ارتکاب جرائم سفید مانند اختلاس و کلاهبرداری می‌شود. اثرات غیرمستقیم همدلی از طریق خودکنترلی پایین نیز مشاهده شد. تن‌ایک و بارنز^۳ (۲۰۱۹) با استفاده از نمونه ملی بزرگسالان، نشان دادند که دغدغه‌مندی اجتماعی با رفتار مجرمانه رابطه منفی دارد و می‌تواند تا حدی تفاوت‌های جنسیتی در ارتکاب جرم را توضیح دهد. هونگ، هان و لی^۴ (۲۰۱۹) نقش میانجی دغدغه‌مندی اجتماعی در ارتباط بین پیوندهای

1. Hochstetler

2. Craig

3. TenEyck & Barnes

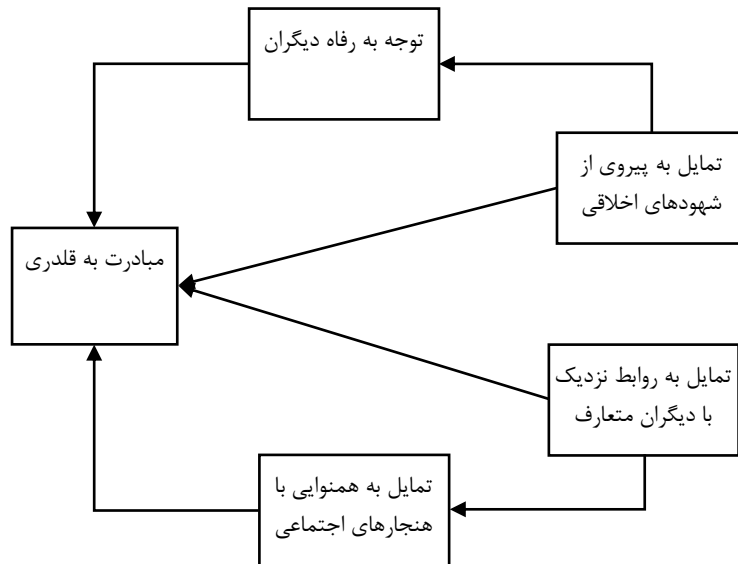
4. Hong, Han, & Lee



معلم- دانش آموز، همسالان بزهکار و بزهکاری نوجوانان کراهی را بررسی کردند و دریافتند که این مؤلفه‌ها به کاهش رفتارهای بزهکارانه به‌ویژه در میان پسران کمک می‌کنند.

در زمینه انحرافات شغلی، کبیری و همکاران (۲۰۲۱) با نمونه‌ای از کارکنان بانک‌های خصوصی در ایران نشان دادند که تمام چهار مؤلفه دغدغه‌مندی اجتماعی با رفتارهای انحرافی شغلی رابطه دارند و می‌توانند روابط بین سایر علل و انحراف شغلی را میانجی و تعدیل کنند. همچنین، زوالا و کارابالو^۱ (۲۰۲۳) نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی را در زمینه خشونت خانوادگی در میان خانواده‌های لاتین بررسی کردند و دریافتند که سرمایه اجتماعی و فرهنگ خانوادگی با کاهش خشونت خانوادگی مرتبط است، در حالی که برخی مؤلفه‌ها مانند رعایت قوانین پلیس اثر معنادار نداشتند. در پژوهش مرتبط با کوید-۱۹، کبیری و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی می‌تواند رفتارهای نافرمانی نسبت به مقررات قرنطینه شهری در ایران را توضیح دهد. همچنین، شادمنفعت و همکاران (۲۰۲۰) با نمونه‌ای از دانش‌آموزان ایرانی، اثرات مستقیم، غیرمستقیم، میانجی و تعدیلگر دغدغه‌مندی اجتماعی را بر ارتکاب قلدری سایبری مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که تمام چهار مؤلفه نظریه با کاهش رفتارهای قلدری سایبری ارتباط مثبت دارند و نقش میانجی و تعدیل‌کننده دغدغه‌مندی اجتماعی تأیید گردید.

به‌طور خلاصه، دانش موجود درباره اعتبار تجربی نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی در حال گسترش است، اما بخش عمده پژوهش‌ها از داده‌های ثانویه استفاده کرده و معمولاً تنها برخی پیش‌بین‌های نظریه، به‌ویژه اثرات غیرمستقیم، تعدیلگر و میانجی، مورد آزمون قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، بیشتر مطالعات گذشته به بزهکاری سستی یا جرائم عمومی پرداخته‌اند و کاربرد نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی در فعالیت‌هایی همچون قلدری در محیط‌های دانشگاهی هنوز به‌طور جامع بررسی نشده است. با توجه به این خلأها، پژوهش حاضر با تمرکز بر قلدری دانشجویان در خوابگاه و محیط دانشگاه قصد دارد این محدودیت‌ها را رفع کند و اثرات مستقیم و غیرمستقیم دغدغه‌مندی اجتماعی بر رفتارهای قلدری را بررسی نماید. در همین راستا، مدل مفهومی پژوهش حاضر به‌منظور آزمون روابط مستقیم و غیرمستقیم میان این مؤلفه‌ها و قلدری دانشجویان تدوین شده‌اند.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق برآمده از تئوری دغدغه اجتماعی (اگنیو، ۲۰۱۴)

بر اساس مبانی نظری برگرفته از نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۴) و مرور پیشینه پژوهش، انتظار می‌رود که ابعاد مختلف دغدغه‌مندی اجتماعی- شامل تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی، توجه به رفاه دیگران، تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف و تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی- بتوانند نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین و پیش‌بینی رفتارهای قلدری دانشجویان ایفا کنند. در همین راستا، فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر تدوین شده‌اند:

- ۱) تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی تأثیر معنادار و مستقیم بر قلدری دانشجویان دارد.
- ۲) توجه به رفاه دیگران تأثیر معنادار و مستقیم بر قلدری دانشجویان دارد.
- ۳) تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف تأثیر معنادار و مستقیم بر قلدری دانشجویان دارد.
- ۴) تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف تأثیر معنادار و مستقیم بر قلدری دانشجویان دارد.
- ۵) توجه به رفاه دیگران میانجی رابطه تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی و قلدری دانشجویان است.
- ۶) تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف میانجی رابطه تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف و قلدری دانشجویان است.

روش

جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشگاه تهران تشکیل دادند. برای تعیین حجم نمونه با توجه نسبت F ، برای حداکثر ۸ متغیر وارد شده در بلوک پیش بین (۴ زیرمقیاس برای تئوری دغدغه مندی اجتماعی و ۴ متغیر همپراش شامل سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، جنسیت) از نسخه ۳.۱.۹.۶ برنامه نرم افزاری G*Power استفاده گردید و با در نظر گرفتن احتمال خطای نوع اول (آلفا)^۱ در سطح ۰/۰۵ (سطح اطمینان ۹۵٪)، توان آزمون^۲ برابر با ۰/۹۵ و اندازه اثر^۳ متوسط $f^2=0/15$ ، حجم نمونه معادل ۱۶۲ نفر محاسبه گردیده است. از آنجایی که نمونه پژوهش شامل دانشجویان خوابگاهی دختر و پسر بود، حجم نمونه مذکور به هر دو گروه اختصاص یافت و همچنین به منظور مقابله با مقادیر پرت و تکمیل ناموفق برخی از پرسشنامه ها با لحاظ نمودن ۲۰٪ ریزش^۴ حجم نمونه نهایی به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. در نهایت با کنار گذاردن داده های مخدوش ۳۷۰ پرسشنامه به منظور آزمون فرضیات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پرسشنامه تحقیق از نوع چاپی بود. بعد از کسب رضایت و توضیح اهداف پژوهش پرسشنامه در مکانی آرام و به دور از هرگونه استرس بین دانشجویان خوابگاهی توزیع گردید. دانشجویان به صورت کاملاً داوطلبانه در این طرح شرکت نموده و این حق را داشتند تا در مواردی که به هر دلیلی قصد کناره گیری داشتند، از ادامه همکاری انصراف دهند. همچنین به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات آنها به صورت محرمانه نزد محققین به امانت خواهد ماند. به منظور تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از مدل سازی معادلات ساختاری و آزمون مقایسه میانگین با نرم افزارهای Amos نسخه ۲۴ و SPSS نسخه ۲۷ بهره گرفته شد.

جدول ۱- خلاصه ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان

درصد	فراوانی	گروه	
۴۷/۸	۱۷۷	دختر	جنسیت
۵۲/۲	۱۹۳	پسر	
۴۹/۲	۱۸۲	کارشناسی	سطح تحصیلات
۴۱/۶	۱۵۴	کارشناسی ارشد	
۹/۲	۳۴	دکتری	
۱۴/۹	۵۵	زیر ۲۰ سال	سن

1. Type I Error (alpha)
2. Power
3. Effect size
4. Dropout





درصد	فراوانی	گروه	
۴۷/۸	۱۷۷	بین ۲۰ سال الی ۲۵ سال	
۲۸/۱	۱۰۴	بین ۲۶ سال الی ۳۰ سال	
۹/۲	۳۴	بالاتر از ۳۰ سال	
۷۸/۱	۲۸۹	مجرد	تاهل
۲۱/۹	۸۱	متاهل	

۴۷/۸ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه را دانشجویان دختر و ۵۲/۲ درصد را نیز دانشجویان پسر تشکیل دادند. ۴۹/۲ درصد لیسانس، ۴۱/۶ درصد فوق لیسانس و ۹/۲ درصد نیز دارای تحصیلات دکتری می باشند. ۱۴/۹ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه کمتر از ۲۰ سال، ۴۷/۸ درصد بین ۲۱ الی ۲۵ سال، ۲۸/۱ درصد بین ۲۶ الی ۳۰ سال و ۹/۲ درصد بالاتر از ۳۰ سال هستند. ۷۸/۱ درصد از دانشجویان مجرد و ۲۱/۹ درصد نیز متأهل می باشند.

۱. مقیاس های مورد استفاده پژوهش

مبادرت به قلدری: به منظور سنجش مبادرت به قلدری از مقیاس طراحی شده توسط لئو^۱ و همکاران (۲۰۲۰) استفاده گردیده است. این مقیاس متشکل از شش آیتم بوده و فراوانی قلدری در شش ماه گذشته را مورد سنجش قرار می دهد (به عنوان مثال گویه هایی از این سازه عبارت اند از: کنار گذاشتن عمدی یکی از همکلاسی ها یا هم خوابگاهی ها از فعالیت های اجتماعی؛ شایعه پراکنی درباره دانشجو و یا هم خوابگاهی دیگر). مقیاس مذکور در پژوهش اخیر کبیری و همکاران (۲۰۲۴) مورد استفاده قرار گرفته و روایی و پایایی آن در نمونه ایرانی مورد تأیید قرار گرفته است.

دغدغه مندی اجتماعی: مقیاس مورد استفاده در این پژوهش برای سنجش دغدغه مندی اجتماعی به گونه ای طراحی شده بود که چهار عنصر مطرح شده توسط اگنیو (۲۰۱۴) را در بر بگیرد: (۱) توجه به رفاه دیگران، (۲) تمایل به روابط نزدیک یا دیگران متعارف، (۳) تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی و (۴) تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف. در پژوهش اخیر شادمنفعت و همکاران (۲۰۲۱) عناصر چهارگانه تئوری دغدغه مندی اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت و روایی و پایایی ابزار در جامعه ایرانی تأیید شد. همچنین کبیری و همکاران (۲۰۲۲؛ ۲۰۲۴) در پژوهش های جداگانه فرم کوتاه مقیاس چندبعدی دغدغه مندی اجتماعی را در جامعه آماری کارکنان و دانشجویان مورد آزمون قرار دادند. این پژوهش با



به‌کارگیری نسخه ۲۰ آیتمی و اصلاح‌شده مقیاس چندبعدی دغدغه‌مندی اجتماعی (شادم‌نفع و همکاران، ۲۰۲۱؛ کبیری و همکاران، ۲۰۲۲؛ ۲۰۲۴) به بررسی ابعاد چهارگانه (۱) توجه به رفاه دیگران (از جمله گویه‌های این سازه می‌توان به موارد روبه‌رو اشاره کرد: وقتی می‌بینم دانشجویی در خوابگاه یا کلاس مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد یا از فعالیت‌های گروهی کلاس طرد می‌شود، ناراحت می‌شوم؛ من به آسایش و شادی سایر دانشجویان در خوابگاه یا دانشگاه اهمیت می‌دهم)، (۲) تمایل به روابط نزدیک یا دیگران متعارف (برای نمونه: تلاش می‌کنم تا دوستی‌ام را با همکلاسی‌هایی که قابل اعتمادند و با دیگران منصفانه رفتار می‌کنند، حفظ کنم؛ ترجیح می‌دهم وقتم را با همسالانی بگذرانم که به گونه‌ای سازنده، مثبت و محترمانه در فعالیت‌های خوابگاه یا کلاس مشارکت می‌کنند)، (۳) تمایل به پیروی از شهادهای اخلاقی (این سازه با گویه‌هایی مانند موارد روبه‌رو سنجیده شد: معتقدم که باید با همه دانشجویان به‌طور عادلانه و با احترام رفتار شود؛ قلدری مغایر با ارزش‌های شخصی من است)، (۴) و تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف (گویه‌های این سازه شامل مواردی نظیر روبه‌رو هستند: به‌ندرت از هنجارهای اجتماعی متعارف که خلاف میل من هستند، پیروی می‌کنم؛ به گونه‌ای رفتار می‌کنم که نظم و هماهنگی را در فعالیت‌های خوابگاه یا دانشگاه حفظ کنم) پرداخته است. کلیه آیت‌ها در قالب طیف لیکرت کاملاً مخالف (نمره ۱) الی کاملاً موافق (نمره ۵) مورد سنجش قرار گرفته است. نمرات بالاتر نشان‌دهنده دغدغه‌مندی اجتماعی بالاتر پاسخگویان است.

۲. روایی و پایایی ابزار پژوهش

ضرایب خلاصه‌شده مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش نشان می‌دهد که کلیه شاخص‌های استخراج‌شده از مدل اندازه‌گیری بر اساس نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی از برازش و کیفیت مطلوبی برخوردارند. به‌طور مشخص، مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۸ بوده که بیانگر پایایی درونی مناسب و همسانی قابل قبول گویه‌ها است.

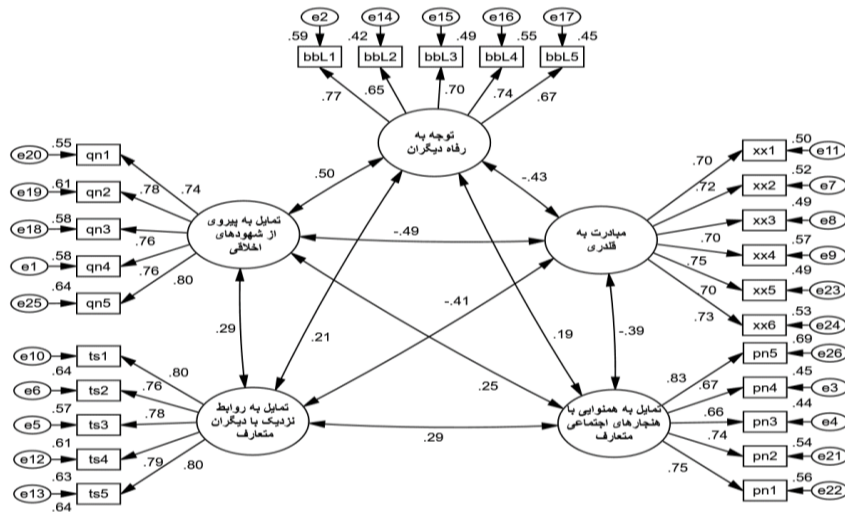
جدول ۲- خلاصه ضرایب مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش

تحلیل عاملی تأییدی	پیشینه	روایی همگرا	روایی واگرا AVE > MSV	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	میانگین	انحراف معیار	
مبادرت به قلدری	۰/۷۰	۰/۷۵	۰/۵۱۵	۰/۲۴۴	۰/۸۶۴	۱/۰۳	۰/۷۰	
توجه به رفاه دیگران	۰/۶۵	۰/۷۷	۰/۵۰۰	۰/۲۴۶	۰/۸۳۳	۳/۳۲	۰/۸۴	
تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۵۹۳	۰/۲۴۶	۰/۸۷۱	۳/۰۵	۰/۹۳	
تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۶۱۰	۰/۱۷۰	۰/۸۹۱	۳/۳۵	۰/۹۸	
تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف	۰/۶۱	۰/۷۳	۰/۵۳۷	۰/۱۵۳	۰/۸۵۲	۳/۲۰	۰/۹۳	
ضرایب برازش مدل اندازه‌گیری: شاخص برازش تطبیقی (CFI): ۰/۹۹۴؛ شاخص توکر لویس (TLI): ۰/۹۹۳؛ ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA): ۰/۰۱۶؛ کای اسکور بهنجار شده (CMIN/df): ۱/۰۹۵ نکته: تحلیل عاملی تأییدی به صورت تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول گزارش گردیده است. روایی واگرا در این پژوهش از برآورد بزرگتر بودن مقدار میانگین واریانس استخراج شده ۱ از حداکثر واریانس مشترک ۲ برآورد گردیده است.								

1. Average Variance Extracted (AVE)
2. Maximum Shared Squared Variance (MSV)



همچنین، مقادیر میانگین واریانس استخراج شده در تمامی سازه ها از حد آستانه ۰/۵ فراتر رفته و از روایی همگرایی مناسب حکایت دارد. از سوی دیگر، در تمام موارد مقدار حداکثر واریانس مشترک کمتر از میانگین واریانس استخراج شده است؛ امری که روایی واگرایی سازه ها را تأیید می کند و نشان می دهد هر متغیر به خوبی از سایر سازه های مدل تمایز دارد.



شکل ۲- مدل تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه های تئوری دغدغه مندی اجتماعی و مبادرت به قلدری

علاوه بر این، شاخص های برازش مدل اندازه گیری همگی در محدوده مطلوب قرار دارند که نشان دهنده برازش بسیار خوب مدل با داده ها است.

یافته ها

مقایسه مبادرت به قلدری بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی

در جدول زیر میانگین مبادرت به قلدری بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی دانشجویان، یعنی جنسیت، تأهل، سن و سطح تحصیلات گزارش شده است.

جدول ۳- مقایسه مبادرت به قلدری بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی

سطح معناداری	ضریب آزمون	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	جنسیت	
۰/۰۰۱	۴/۶۵**	۳/۸۶	۵/۰۹	۱۷۷	زن	مبادرت به قلدری
		۴/۳۰	۷/۱۸	۱۹۳	مرد	بر حسب جنسیت
۰/۶۲۷	۰/۴۸۶	۴/۱۵	۶/۱۳	۲۸۹	مجرد	مبادرت به قلدری
		۴/۵۰	۶/۳۸	۸۱	متاهل	بر حسب تأهل



۰/۱۸۶	۱/۶۱	۵/۴۷	۶/۹۱	۵۵	کمتر از ۲۰ سال	مبادرت به قلدری بر حسب سن
		۴/۱۰	۶/۳۰	۱۷۷	بین ۲۱ الی ۲۵ سال	
		۳/۷۸	۵/۹۹	۱۰۴	بین ۲۶ الی ۳۰ سال	
		۳/۷۰	۴/۹۷	۳۴	بیشتر از ۳۰ سال	
۰/۰۹۰	۲/۴۲	۴/۶۸	۶/۴۳	۱۸۲	لیسانس	مبادرت به قلدری بر حسب سطح تحصیلات
		۳/۸۳	۶/۲۱	۱۵۴	فوق لیسانس	
		۲/۹۳	۴/۷۱	۳۴	دکتری	
نکته: نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان داد که تفاوت میانگین گزارش شده بین دانشجویان لیسانس و دکتری (تفاوت میانگین: ۱/۷۳؛ سطح معناداری، ۰/۰۲۸) و بین گروه سنی پایین تر از ۲۰ سال و بالاتر از ۳۰ سال (تفاوت میانگین: ۱/۹۴؛ سطح معناداری، ۰/۰۳۶) معنادار است.						
* سطح معناداری ۰/۰۵؛ ** سطح معناداری ۰/۰۱						

نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های دو گروهی و چندگروهی ۱ (جدول ۳) نشان دادند که میانگین مبادرت به قلدری در دانشجویان پسر بیشتر از دختران است. بر اساس وضعیت تأهل و سن تفاوت معناداری مشاهده نشد، با این حال آزمون تعقیبی LSD نشان داد که دانشجویان زیر ۲۰ سال نسبت به بالای ۳۰ سال، قلدری بیشتری دارند (سطح معناداری: ۰/۰۳۶). همچنین، میانگین قلدری در دانشجویان لیسانس بالاتر از دانشجویان دکتری بود (سطح معناداری: ۰/۰۲۸) که نشان‌دهنده کاهش رفتارهای قلدری با افزایش تجربه و سطح تحصیلی است.

۱. ضرایب همبستگی بین زیرمؤلفه‌های نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی و مبادرت به قلدری در مرحله اول سنجش نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی، ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این نظریه و مبادرت به قلدری محاسبه و گزارش شد تا میزان ارتباط هر یک از ابعاد دغدغه‌مندی اجتماعی با رفتار قلدری دانشجویان مشخص گردد. این تحلیل اولیه امکان بررسی تأثیر مستقیم و پیش‌بینی‌کننده هر متغیر را فراهم می‌آورد.



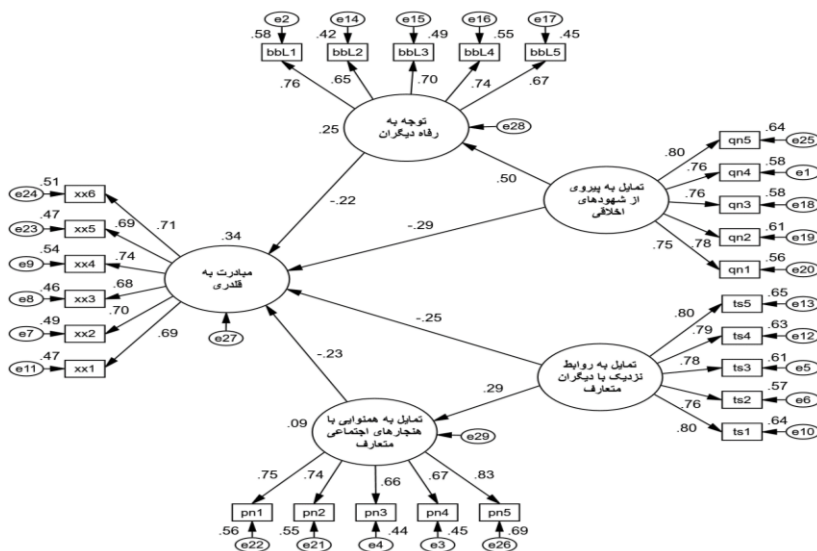
جدول ۴- ضرایب همبستگی زیرمؤلفه‌های نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی و مبادرت به قلدری

مبادرت به قلدری		متغیر
ضریب همبستگی	سطح معناداری	
-۰/۳۶۲	۰/۰۰۱	توجه به رفاه دیگران
-۰/۴۲۸	۰/۰۰۱	تمایل به پیروی از شهادهای اخلاقی
-۰/۳۶۵	۰/۰۰۱	تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف
-۰/۳۴۲	۰/۰۰۱	تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف

همان‌طور که ضرایب همبستگی (جدول ۴) نشان می‌دهد، بین مبادرت به قلدری با توجه به رفاه دیگران (ضریب همبستگی: -۰/۳۶۲)، تمایل به پیروی از شهادهای اخلاقی (ضریب همبستگی: -۰/۴۲۸)، تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف (ضریب همبستگی: -۰/۳۶۵) و تمایل به هنجارهای اجتماعی متعارف (ضریب همبستگی: -۰/۳۴۲) همبستگی معنادار و منفی گزارش گردیده است. این یافته نشان می‌دهد که مؤلفه‌های نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی ارتباط معناداری با مبادرت به مبادرت به قلدری دارند و بنابراین می‌توان از مدل‌سازی معادلات ساختاری برای پیش‌بینی مبادرت به قلدری استفاده نمود.

۲. مدل معادلات ساختاری تأثیر زیرمؤلفه‌های تئوری دغدغه‌مندی اجتماعی و مبادرت به قلدری

برای بررسی و تشریح روابط مستقیم و غیرمستقیم، از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در این مدل، چهار زیرمؤلفه نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی به‌طور همزمان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر مبادرت به قلدری دانشجویان تأثیرگذار هستند و امکان تحلیل دقیق مسیرهای اثرگذاری هر مؤلفه را فراهم می‌کنند.



شکل ۳- مدل استاندارد تأثیر زیرمولفه‌های تئوری دغدغه‌مندی اجتماعی و مبادرت به قلدری

همان‌طور که در شکل ۳ نشان داده شده است، چهار زیرمولفه نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی شامل تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی، تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف، توجه به رفاه دیگران و تمایل به هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف، قادرند ۳۴ درصد از واریانس مبادرت به قلدری را تبیین کنند. علاوه بر این، تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی توانایی تبیین ۲۵ درصد از واریانس توجه به رفاه دیگران را دارد و تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف قادر است ۹ درصد از واریانس تمایل به هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف را توضیح دهد. در ادامه، جدول مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم ارائه شده است.

جدول ۵- ضرایب مستقیم و غیرمستقیم مدل تأثیر زیرمولفه‌های دغدغه‌مندی اجتماعی بر مبادرت به قلدری

		ضریب تأثیر غیراستاندارد	ضریب تأثیر استاندارد	سطح معناداری
مسیر مستقیم				
←	تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی	-۰/۲۱۷	-۰/۲۹۲	۰/۰۰۱
←	توجه به رفاه دیگران	-۰/۱۸۳	-۰/۲۱۵	۰/۰۰۲
←	تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف	-۰/۱۶۳	-۰/۲۴۶	۰/۰۰۱



۰/۰۰۱	-۰/۲۳۵	-۰/۱۸۳	مبادرت به قلدری	←	تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف
۰/۰۰۱	۰/۴۹۹	۰/۴۳۶	توجه به رفاه دیگران	←	تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی
۰/۰۰۱	۰/۲۹۳	۰/۲۴۸	تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی ...	←	تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف
					مسیر غیرمستقیم
۰/۰۰۱	-۰/۱۰۷	-۰/۰۸۰	مبادرت به قلدری	←	تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی
۰/۰۰۱	-۰/۰۶۹	-۰/۰۴۵	مبادرت به قلدری	←	تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف
ضرایب برازش مدل ساختاری: شاخص برازش تطبیقی (CFI): ۰/۹۸۶؛ شاخص توکر لویس (TLI): ۰/۹۸۴؛ ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA): ۰/۰۲۴؛ کای اسکور بهنجار شده (CMIN/df): ۱/۲۱۲					

همان‌طور که خلاصه ضرایب گزارش شده (ضرایب مستقیم) مدل نشان می‌دهد، تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی (ضریب بتا: -۰/۲۹۲)، توجه به رفاه دیگران (ضریب بتا: -۰/۲۱۵)، تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف (ضریب بتا: -۰/۲۴۶)، تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف (ضریب بتا: -۰/۲۳۵) تأثیر معنادار و مستقیم بر مبادرت به قلدری دارند. در بعدی دیگر، تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی (ضریب بتا: ۰/۴۹۹) تأثیر معنادار و مستقیم بر توجه به رفاه دیگران و تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف (ضریب بتا: ۰/۲۹۳) تأثیر معنادار و مستقیم بر تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف دارند. در ارتباط با مسیرهای غیرمستقیم، تمایل به پیروی از شهودهای اخلاقی (ضریب بتا: -۰/۱۰۷) با تأثیرگذاری مستقیم بر توجه به رفاه دیگران و تمایل به روابط نزدیک با دیگران متعارف (ضریب بتا: -۰/۰۶۹) با تأثیرگذاری مستقیم بر تمایل به همنوایی با هنجارهای اجتماعی متعارف به‌صورت غیرمستقیم بر مبادرت به قلدری تأثیرگذار هستند.

نتیجه‌گیری

زندگی دانشگاهی عرصه‌ای پویا از تعاملات اجتماعی است که می‌تواند هم فرصت رشد فردی و هم زمینه بروز رفتارهای نامطلوب را فراهم کند. در چنین محیطی، شناخت عوامل مؤثر بر قلدری اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر دانشجویان خوابگاهی دانشگاه تهران به بررسی نقش دغدغه‌مندی اجتماعی در کاهش مبادرت به قلدری پرداخت و یافته‌ها چارچوبی مستحکم برای تحلیل رفتارهای قلدرانه و ارائه راهکارهای پیشگیرانه فراهم می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تمامی مؤلفه‌های نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۴)، شامل شهادهای اخلاقی، توجه به رفاه دیگران، تمایل به روابط نزدیک با دیگران و هم‌نواپی با هنجارهای اجتماعی، تأثیر معنادار و منفی بر مبادرت به قلدری دانشجویان دارند. این نتایج به‌وضوح فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که هر یک از این مؤلفه‌ها به‌عنوان عامل بازدارنده طبیعی عمل کرده و احتمال بروز رفتارهای قلدرانه در محیط دانشگاه را کاهش می‌دهند. به بیان دیگر، دانشجویانی که از سطح بالاتری از شهود اخلاقی، همدلی، تمایل به ایجاد روابط نزدیک و پیروی از هنجارهای اجتماعی برخوردارند، کمتر درگیر قلدری می‌شوند.

تحلیل مسیرهای میانجی نیز اهمیت سازوکارهای فرآیندی را نشان می‌دهد. توجه به رفاه دیگران میانجی رابطه بین شهادهای اخلاقی و قلدری و تمایل به هم‌نواپی با هنجارهای اجتماعی میانجی رابطه بین تمایل به روابط نزدیک با دیگران و قلدری است. این یافته‌ها فرضیه‌های پنجم و ششم پژوهش را تأیید کرده و تبیین می‌کنند که مؤلفه‌های اولیه دغدغه‌مندی اجتماعی (شهود اخلاقی و تمایل به روابط نزدیک) از طریق فعال‌سازی مؤلفه‌های ثانویه (توجه به رفاه دیگران و هم‌نواپی با هنجارها)، اثر بازدارنده خود را به‌صورت غیرمستقیم اعمال می‌کنند و سازوکارهایی ایجاد می‌کنند که احتمال رفتارهای قلدرانه را کاهش می‌دهد.

این نتایج با پژوهش‌های پیشین همسو است. چوهی و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که شهادهای اخلاقی و توجه به رفاه دیگران به‌طور معناداری سطح بزهکاری را کاهش داده و نقش میانجی در ارتباط میان علل خرداجتماعی و بزهکاری دارند. کریگ (۲۰۱۷) نیز اثر غیرمستقیم همدلی و توجه به دیگران را در کاهش رفتارهای خلاف قانون در میان دانشجویان گزارش کرد. در ایران، پژوهش‌های کبیری و همکاران (۲۰۲۱) و شادمفعت و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که چهار مؤلفه نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی با کاهش رفتارهای انحرافی و قلدری سایبری مرتبط بوده و نقش میانجی و تعدیلگر این مؤلفه‌ها تأیید شده است. سایر مطالعات مانند هونگ، هان و لی (۲۰۱۹) و تن‌ایک و بارنز (۲۰۱۹) نیز اهمیت ابعاد اخلاقی، همدلی و پیوندهای اجتماعی را در کاهش رفتارهای بزهکارانه نشان داده‌اند.





تبیین این یافته‌ها با تکیه بر نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۱؛ ۲۰۱۴) امکان‌پذیر است. بر اساس این نظریه، انسان‌ها به‌طور ذاتی دارای گرایش‌های اجتماعی هستند و دغدغه‌مندی اجتماعی می‌تواند به‌عنوان مکانیسم بازدارنده طبیعی در برابر رفتارهای آسیب‌رسان و خودخواهانه عمل کند. افرادی که دارای سطح بالاتری از دغدغه‌مندی اجتماعی هستند، در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای خود به رفاه و احساسات دیگران توجه بیشتری دارند، روابط صمیمانه‌تر و نزدیک‌تری برقرار می‌کنند و پایبندی بیشتری به هنجارها و اصول اخلاقی جامعه نشان می‌دهند. چنین ویژگی‌هایی احتمال ارتکاب رفتارهایی نظیر قلدری دانشجویان را کاهش می‌دهند و اثر بازدارنده مستقیم و غیرمستقیم این مؤلفه‌ها را توضیح می‌دهند. علاوه بر اثر مستقیم، روابط درونی میان مؤلفه‌های دغدغه‌مندی اجتماعی نیز نقش مهمی در کاهش رفتارهای انحرافی دارند. شهودهای اخلاقی و تمایل به برقراری روابط نزدیک با دیگران با تقویت توجه به رفاه دیگران و همنوایی با هنجارهای اجتماعی، اثر بازدارنده غیرمستقیم خود را افزایش می‌دهند. این یافته‌ها تأیید می‌کند که برخی ابعاد دغدغه‌مندی اجتماعی می‌توانند به‌طور متقابل یکدیگر را تقویت یا تعدیل کنند و در مجموع باعث کاهش رفتارهای قلدرانه شوند که همسو با پیش‌بینی‌های اگنیو (۲۰۱۴) است.

با توجه به یافته‌های پژوهش و نظریه دغدغه‌مندی اجتماعی اگنیو (۲۰۱۴)، چند راهبرد کاربردی برای کاهش رفتارهای قلدرانه در محیط‌های دانشگاهی پیشنهاد می‌شود. نخست، آموزش و ترویج ارزش‌های اخلاقی و تقویت شهودهای اخلاقی دانشجویان می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا پیامدهای رفتارهای آسیب‌رسان را بهتر درک کرده و از ارتکاب قلدری پرهیز کنند؛ دوم، توسعه برنامه‌های توانمندسازی اجتماعی و مهارت‌های همدلی و توجه به رفاه دیگران، از طریق کارگاه‌های گروهی، فعالیت‌های داوطلبانه و تمرین‌های مشارکتی، می‌تواند سطح دغدغه‌مندی اجتماعی دانشجویان را ارتقاء دهد و اثر بازدارنده آن‌ها بر رفتارهای قلدرانه را تقویت کند؛ سوم، ایجاد فرصت‌های تعامل مثبت و روابط نزدیک میان دانشجویان و تقویت هنجارهای گروهی حمایتی می‌تواند انگیزه برای همنوایی با رفتارهای مطلوب اجتماعی را افزایش دهد و چارچوبی حمایتی برای پیشگیری از قلدری فراهم کند. این اقدامات می‌تواند به شکل برنامه‌های مربیگری همسالان، فعالیت‌های اجتماعی مشترک و طراحی محیط‌های آموزشی مشارکتی عملیاتی شود و چهارم، ادغام این مؤلفه‌ها در سیاست‌ها و دستورالعمل‌های دانشگاه، از جمله تدوین کدهای رفتاری مبتنی بر اخلاق و مسئولیت اجتماعی، می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌های دغدغه‌مندی اجتماعی را در کاهش قلدری تقویت کند.

پژوهش حاضر با وجود ارائه یافته‌های ارزشمند، دارای محدودیت‌هایی است که می‌تواند زمینه پژوهش‌های آینده را مشخص کند. نخست، جامعه آماری محدود به دانشجویان خوابگاهی



دانشگاه تهران بود و این امر تعمیم نتایج به سایر دانشگاه‌ها، شهرها یا کشورها را محدود می‌کند. برای رفع این محدودیت، پژوهش‌های آینده می‌توانند نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تری شامل دانشجویان سایر دانشگاه‌ها، مناطق جغرافیایی و گروه‌های سنی متفاوت انتخاب کنند تا قابلیت تعمیم نتایج افزایش یابد؛ دوم، داده‌ها مبتنی بر پرسشنامه‌های خوداظهاری هستند و امکان سوگیری پاسخ‌دهنده یا گزارش نادرست وجود دارد. پژوهش‌های آتی می‌توانند از روش‌های چندمنبعی مانند مصاحبه، مشاهده رفتار یا گزارش همسالان استفاده کنند تا اعتبار داده‌ها افزایش یابد؛ سوم، طراحی مقطعی پژوهش امکان استنتاج علیت کامل را محدود می‌کند. مطالعات طولی یا آزمایشی می‌توانند این محدودیت را برطرف کرده و مسیرهای علت و معلولی بین مؤلفه‌های دغدغه‌مندی اجتماعی و قلدری دانشجویان را دقیق‌تر بررسی کنند. چهارم، سایر عوامل محیطی، فرهنگی یا فردی که ممکن است بر قلدری تأثیرگذار باشند، در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. پژوهش‌های آینده می‌توانند با وارد کردن متغیرهای تعدیل‌کننده یا میانجی مانند حمایت خانواده، فشار همسالان، یا ویژگی‌های شخصیتی، چارچوب تحلیل جامع‌تری ارائه دهند.

منابع

- بابایی، ابوالفضل، واحدی، شهرام، ادیب، یوسف، و ایمانزاده، علی. (۱۴۰۰). تجربه زیسته نوجوانان پسر از مکانیسم بی تفاوتی اخلاقی و قلدری: یک مطالعه نظریه زمینه‌ای. *علوم روانشناختی*، ۲۰(۹۷)، ۴۷-۶۲.
- <https://psychologicalscience.ir/article-1-945-fa.html>
- حسینی، سیده آمنه، زندی، محمدرضا، و تدین، عباس. (۱۴۰۲). ضرورت سنجی جرم‌انگاری پدیده قلدری مجازی در حقوق کیفری ایران و آمریکا. *حقوق تطبیقی*، ۱(۱۹)، ۲۱۹-۲۴۴.
- https://law.mofidu.ac.ir/article_702234.html
- حسن‌پور، محمد، قاسمی، ناصر، و محسنی، فرید. (۱۴۰۴). نقش مداخلات خانواده محور در پیشگیری از انحرافات شایع اطفال و نوجوانان. *پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی*، ۳(۱۰)، ۱۷۹-۲۰۰.
- https://www.qacr.ir/article_735096.html
- شایسی‌زاد، سعید، و خان‌محمدی، فرامرز. (۱۳۹۸). رابطه الگوهای دلبستگی و خصوصیات شخصیتی با قلدری در دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۲(۱۳)، ۱۲۳-۱۳۵.
- <https://www.jonapte.ir/showpaper/794854>
- عبدالمحمدی، کریم، غدیری، فرهاد، و محمدزاده، علی. (۱۴۰۲). پیش‌بینی پرخاشگری سایبری بر اساس همدلی، بی‌تفاوتی اخلاقی و نشخوار خشم در نوجوانان. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۳(۵۰)، ۳۰-۱۵.
- <https://www.magiran.com/paper/2611951>
- علیوردی‌نیا، اکبر، و اندراجمی، سیده سحر. (۱۴۰۲). مطالعه جامعه‌شناختی ایده‌پردازی خودکشی دانشجویان: آزمون تجربی نظریه‌های فعالیت روزمره و فشار عمومی آگنو. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۴(۴)، ۸۱-۱۰۴.
- https://jas.ui.ac.ir/article_28008.html
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ ریسمانچی، ناهید. (۱۳۹۸). تأثیر بزه‌دیدگی سایبری و سنتی بر رفتارهای انحرافی دانشجویان. *راهبرد فرهنگ*، ۱۲(۴۵)، ۹۷-۱۳۰.
- https://www.jsfc.ir/article_95600.html
- میرعشقی، امیر، الله‌وردی، فرهاد، و حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی رویکردهای فقه اسلامی و حقوق مدرن در مقابله با پدیده سایبر بولینگ. *نشریه حقوق و مطالعات سیاسی*، ۴(۴)، ۵۸۰-۵۹۴.
- https://jpls.samipubco.com/article_214784.html
- Agnew, R. (2011). *Toward a unified criminology: Integrating assumptions about crime, people and society*. New York, NY: NYU Press.
- Alami, A., Shahghasemi, Z., Ghochan, A. D. M., & Baratpour, F. (2015). "Students' aggression and its relevance to personal, family, and social factors." *Iranian Red Crescent medical journal*, 17(12): 1-13.
- Al-Darmaki, F., Al Sabbah, H., & Haroun, D. (2022). Prevalence of bullying behaviors among students from a national university in the United Arab Emirates: a cross-sectional study. *Frontiers in psychology*, 13, 768305.
- Beccaria, C. (2016). *On crimes and punishments*. Transaction Publishers.





- Bussu, A., Pulina, M., Ashton, S. A., Mangiarulo, M., & Molloy, E. (2025). Cyberbullying and cyberstalking victimisation among university students: A narrative systematic review. *International Review of Victimology*, 31(1), 59-90.
- Carmichael, S., & Piquero, A. R. (2004). Sanctions, perceived anger, and criminal offending. *Journal of Quantitative Criminology*, 20(4), 371-393.
- Chouhy, C., Agnew, R., & Cullen, F. T. (2014). *Social concern and crime. In Oxford handbook topics in criminology and criminal justice*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199935383.013.135>
- Chouhy, C., Hochstetler, S. T., & Cullen, F. T. (2017). Social concern and delinquency: An empirical assessment of a novel theory. *Deviant behavior*, 38(1), 94-117.
- Clarke, R. V., & Cornish, D. B. (2001). *Rational choice. Explaining criminals and crime: Essays in contemporary criminological theory*, 23-42.
- Craig, J. M. (2017). The effects of social concern on white-collar offending. *Deviant behavior*, 38(7), 837-854.
- Felson, M., & Eckert, M. A. (2017). *Introductory criminology: The study of risky situations*. Routledge.
- Ferguson, C. J. (2010). Genetic contributions to antisocial personality and behavior: A meta-analytic review from an evolutionary perspective. *The Journal of social psychology*, 150(2), 160-180.
- Gholami, M., Thornberg, R., Kabiri, S., & Yousefvand, S. (2025). From Dark Triad Personality Traits to Digital Harm: Mediating Cyberbullying Through Online Moral Disengagement. *Deviant Behavior*, 1-19.
- Gómez-Galán, J., Lázaro-Pérez, C., & Martínez-López, J. Á. (2021). Trajectories of victimization and bullying at university: Prevention for a healthy and sustainable educational environment. *Sustainability*, 13(6), 3426.
- Gottfredson, M. R. (1990). *A general theory of crime*. Reading/Stanford University Press.
- Heffernan, T., & Bosetti, L. (2023). University bullying and incivility towards faculty deans. *International Journal of Leadership in Education*, 26(4), 604-623.
- Hirschi, T. (1989). Exploring alternatives to integrated theory. *Theoretical integration in the study of deviance and crime: Problems and prospects*, 37-49.
- Hong, H., Han, Y., & Lee, D. H. (2020). Unselfish motivations and deviance: An empirical examination of social concern theory among South Korean adolescents. *Deviant Behavior*, 41(6), 705-717.
- Kabiri, S., Choi, J., Kruis, N., Shadmanfaat, S. M., & Lee, J. (2022). Social concern as a means of understanding the risk of workplace deviance. *Deviant Behavior*, 43(8), 939-958.
- Kabiri, S., Donner, C. M., Shadmanfaat, S. M., & Rahmati, M. M. (2024). School bullying among Iranian Adolescents: Considering a higher moderation model in situational action theory. *International Journal of Bullying Prevention*, 6(2), 149-162.
- Kabiri, S., Donner, C. M., Shadmanfaat, S. M., & Rahmati, M. M. (2024). School bullying among Iranian Adolescents: Considering a higher moderation model in situational action theory. *International Journal of Bullying Prevention*, 6(2), 149-162.
- Kabiri, S., Shadmanfaat, S. M. S., Choi, J., & Yun, I. (2020). The impact of life domains on cyberbullying perpetration in Iran: a partial test of Agnew's general theory of crime. *Journal of criminal justice*, 66, 101633.
- Kabiri, S., Shadmanfaat, S. M., Pauwels, L. J., Donner, C. M., Cochran, J. K., & Hardyns, W. (2024). Can social concern theory explain quarantine-related

- misbehavior during the COVID-19 pandemic? An inquiry in the urban context of Iran. *Crime & Delinquency*, 70(4), 1173-1195.
- Keashly, L., & Neuman, J. H. (2010). Faculty experiences with bullying in higher education: Causes, consequences, and management. *Administrative Theory & Praxis*, 32(1), 48-70.
- Komasi, S., Saeidi, M., Soroush, A., Zakiei, A. J. J. o. i., & research, v. (2016). The relationship between brain behavioral systems and the characteristics of the five factor model of personality with aggression among Iranian students. *Journal of Injury Violence Research*, 8(2), 67-74.
- Liu, W., Qiu, G., & Zhang, S. (2022). Situational action theory and school bullying: Rethinking the moral filter. *Crime & Delinquency*, 68(4), 572-593.
- Mahasneh, R., Elsherbiny, A., Ghbari, T., & Hammouri, M. (2024). Navigating Cyberbullying: A Cross-National Study of Forms and Responses among University Students in an Online Learning Environment. *Journal of Social Studies Education Research*, 15(3), 229-256.
- Olweus, D. (1997). Bully/victim problems in school: Facts and intervention. *European journal of psychology of education*, 12(4), 495-510.
- Piquero, A. R., Paternoster, R., Pogarsky, G., & Loughran, T. (2011). Elaborating the individual difference component in deterrence theory. *Annual Review of Law and Social Science*, 7(1), 335-360.
- Posick, C., Rocque, M., & Rafter, N. (2014). More than a feeling: Integrating empathy into the study of lawmaking, lawbreaking, and reactions to lawbreaking. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 58(1), 5-26.
- Rospenda, K. M., Richman, J. A., Wolff, J. M., & Burke, L. A. (2013). Bullying victimization among college students: Negative consequences for alcohol use. *Journal of addictive diseases*, 32(4), 325-342.
- Shadmanfaat, S. M., Choi, J., Kabiri, S., & Lee, J. (2021). Impact of social concern on cyberbullying perpetration in Iran: Direct, indirect, mediating, and conditioning effects in Agnew's social concern theory. *Deviant Behavior*, 42(11), 1436-1457.
- Siddiqui, S., Schultze-Krumbholz, A., & Kamran, M. (2025). Bullying roles, moral disengagement, and motivational perceptions among university students. *Frontiers in Sociology*, 9, 1511340.
- Smith, Peter K. (2014). *Understanding School Bullying: Its Nature & Prevention Strategies*. London: Sage Publications.
- Smith, Peter K., Leticia López-Castro, Susanne Robinson, and Anke Görzig. (2019). Consistency of gender differences in bullying in cross-cultural surveys. *Aggression and Violent Behavior*, 45, 33-40.
- TenEyck, M., & Barnes, J. C. (2019). A preliminary test of the association between Agnew's social concern and criminal behavior: Results from a nationally representative sample of adults. *Deviant Behavior*, 40(2), 187-204.
- Walsh, A. (2024). *Understanding biosocial criminology: A paradigm for the 21st century*. Edward Elgar Publishing.
- Zavala, E., & Caraballo, K. (2024). Social concern theory and family violence among Latino families. *Journal of interpersonal violence*, 39(11-12), 2373-2394.

